

Examining the Impact of Demographic Characteristics on the Political Participation of Rural Youth: A Case Study of Eastern Guilan, Iran

M.S. Babapour Vajari¹, R. Esfanjari Kenari², A. Jansiz³

Received: 2025/06/13

Accepted: 2025/10/12

Introduction: Enhancing the political participation of youth is a key indicator of human and social development at the national level. Rural communities play a significant role in shaping a country's political and social structures. When provided with appropriate educational opportunities and civic awareness, rural youth can actively contribute to national development and democratic governance. The present study aimed to examine the impact of demographic characteristics on the political participation of rural youth in eastern Guilan Province, Iran.

Materials and Methods: This research is applied in purpose and quantitative in method. The statistical population consisted of rural youth aged 18–35 living in eastern Guilan Province. 111 individuals were selected through simple random sampling. Data were collected using a researcher-designed questionnaire containing 14 items. The reliability of the questionnaire was confirmed with a Cronbach's alpha coefficient of 0.88, indicating good internal consistency.

Results and Discussion: Findings from the analysis of variance (ANOVA) revealed that higher education levels, student status, occupation type, parental education, and maternal employment were positively related to political

1. MA in Rural Development, Faculty of Agricultural Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran.

2. Corresponding Author and Assistant Professor, Faculty of Agricultural Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran (rezasfk@gmail.com).

3. Associate Professor, Faculty of Political Science and International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran.

participation. Socioeconomic status also showed a positive relationship with political engagement. Among all variables, individual education level, occupation, and maternal education had the strongest association with political participation among rural youth.

Conclusions: The results suggest that organizing informal meetings with rural youth elites in local councils, strengthening regional media programs emphasizing the role of rural youth, and supporting economic and political empowerment initiatives for rural families can effectively promote the political participation of rural youth.

Keywords: *Political Development, Political Sociology, Rural Youth, Demographic Characteristics, Political Participation*

JEL Classification: D72, I20, J13, J62, D63, R23



اقتصاد کشاورزی و روستایی

سال ۳، شماره ۶، بهار ۱۴۰۴

مقاله علمی

بررسی تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر مشارکت سیاسی جوانان روستایی (مورد مطالعه: جوانان روستایی شرق استان گیلان)

محمدصابر باباپور واجاری^۱، رضا اسفنجاری کناری^۲، احمد جانسیز^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

چکیده

ارتقای مشارکت سیاسی جوانان به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی در سطح ملی مورد تأکید می‌باشد. جوامع روستایی یکی از نیروهای اجتماعی تاثیرگذار در نظام سیاسی و اجتماعی کشور هستند و جوانان روستایی با آموزش مناسب می‌توانند به سیاست‌های توسعه کشور کمک کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر مشارکت سیاسی جوانان روستایی شرق استان گیلان انجام شد که از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش تحقیق، کمی است. جامعه آماری شامل جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن روستاهای شرق استان گیلان در سال ۱۴۰۲ بود که بر اساس جدول مورگان، ۲۴۱ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای محقق ساخته با ۱۴ گویه بود که پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ تأیید شد. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین

۱ - کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۲- نویسنده مسئول، استادیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (rezasfk@gmail.com).

۳ - دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

سطح تحصیلات فرد، دانشجو بودن، نوع شغل، تحصیلات پدر و مادر و شغل مادر با مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، سطح تحصیلات، شغل فرد و تحصیلات مادر بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت سیاسی جوانان روستایی داشتند. با توجه به نتایج مطالعه برگزاری نشست‌های غیررسمی با جوانان نخبه روستایی در دهدهای‌ها و شوراهای، تقویت رسانه‌های استانی از طریق تولید برنامه‌هایی با تأکید بر نقش جوانان روستایی، و حمایت از برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی-سیاسی خانواده‌های روستایی برای افزایش مشارکت سیاسی جوانان پیشنهاد شد.

کلید واژه‌ها: توسعه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، جوان روستایی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مشارکت سیاسی.

طبقه‌بندی JEL: R23, D63, J62, J13, I20, D72

مقدمه

توسعه به معنی کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، افزایش صنعتی‌شدن، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری است (Azkia, 2014). توسعه سیاسی در کلی‌ترین تعریف، فرایندی است که طی آن ظرفیت ساختارها و نهادهای سیاسی، همچنین پویایی نیروها و روابط سیاسی یک کشور در جهت ساماندهی امور عمومی (داخلی و خارجی) افزایش می‌یابد (Delavary, 2017). مشارکت از شاخص‌های مهم توسعه پایدار روستایی و مشارکت سیاسی به عنوان معیاری در توسعه‌ی سیاسی جوامع است. نواحی روستایی با درصد چشمگیری از جمعیت می‌توانند زمینه‌ساز تحقق این مهم در سطح ملی نیز باشد (Norouzi, 2024). مشارکت سیاسی به عنوان یکی از سنجه‌های توسعه سیاسی در جهان، هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی و اجتماعی به شمار می‌آید (Khoshfar et al., 2019). همچنین مشارکت سیاسی نگرش و رفتاری را در بر می‌گیرد که به طور کلی به منظور تأثیرگذاری، حفظ یا تغییر تصمیمات مقامات داخل نظام سیاسی است (Anouar, 2014). لستر میلبرات¹ سلسله مراتبی از مشارکت را مطرح کرده است که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی دولتی تغییر می‌کند و پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی رای‌دادن در انتخابات است (Rush, 2012). رای‌دادن تنها یک جزء از مجموعه بسیار گسترده‌تر گونه‌های مشارکت سیاسی است اما در عین حال، رای‌دادن اساسی‌ترین اقدام دموکراتیک است که شهروندان باید به صورت منظم و مستمر به آن مبادرت ورزند (Niazi et al., 2019). اگر رای‌دادن یک جزء بسیار کوچک از مجموعه بسیار گونه‌های مشارکت سیاسی تلقی شود، باید دقت داشت که این فعالیت، اساسی‌ترین اقدام دموکراتیکی است که شهروندان بایستی به صورت منظم و مستمر به آن مبادرت ورزند (Hashmi,

1. Lester Milbrath

2006). مشارکت سیاسی^۱ به معنای شرکت کردن در سیاست یا سطح عمومی مشارکت در یک جامعه و میزان فعال بودن مردم به عنوان یک کل در سیاست است؛ یا به زبان ریاضی، تعداد مردم فعال ضرب در مقدار عمل آن‌ها (McLean, 2008). مک کلاوسکی سطوح مشارکت سیاسی را به شرح ذیل بر شمرده است: ۱. رای دادن؛ ۲. کسب اطلاعات سیاسی؛ ۳. بحث در مورد موضوعات و مسائل سیاسی؛ ۴. شرکت در جلسات و محافل سیاسی؛ ۵. کمک مالی به فعالیت‌های سیاسی؛ ۶. گفت‌وگو و مذاکره با نمایندگان؛ ۷. عضویت در احزاب سیاسی؛ ۸. شرکت در ثبت نام افراد و تبلیغ برای احزاب سیاسی؛ ۹. نگارش مقالات و ارائه سخنرانی‌های سیاسی؛ ۱۰. شرکت در رقابت‌ها و مبارزه‌های سیاسی؛ ۱۱. رقابت به منظور انتخاب شدن برای پست‌های سیاسی حزبی.

مشارکت سیاسی به لحاظ کیفی و کمی، تحت تاثیر عوامل متعددی چون پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سن، جنس، نژاد، قومیت، ساختار سیاسی، مذهب و ارزش‌های فرهنگی، تحصیلات، شغل، محل سکونت، شخصیت و ویژگی‌های روحی و روانی افراد است (Niazi et al, 2019).

مشارکت سیاسی یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی سیاسی است و از طرفی یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در کشورها به شمار می‌رود. توسعه‌ی سیاسی خود یکی از ابعاد توسعه‌ی همه‌جانبه است (Vosoughy & Hashemi, 2004). دموکراسی و مشارکت سیاسی مبتنی بر اراده مردم است و جامعه مدنی به این وسیله محقق می‌شود (Ahmadi, 2011). مشارکت سیاسی هم نتیجه وجود آزادی و توسعه‌ی سیاسی در جامعه و هم عامل استقرار و حفظ بقای آن است (Bashiriyeh, 2009). از نظر تاریخی در ایران صرف نظر از بعد سیاسی، مشارکت در امور مختلف در شهرها و روستاها کم و بیش وجود داشته است. برای مثال در جوامع روستایی از رسم بیل‌زنی دسته‌جمعی و کمک در دروکردن گندم، تامین امنیت محصول، سنت چرخ‌ریسان، بنه و مراسم مذهبی می‌توان نام برد. در چند دهه‌ی اخیر موضوع مشارکت سیاسی در روستاها به دلیل پدید آمدن گروه‌های جدید روستایی که دارای تحصیلات بالاتر و برخوردار از وسایل ارتباط جمعی و امکانات اقتصادی بیشتری هستند (Vosoghy & Hashemi, 2004). یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در توسعه سکونتگاه‌های روستایی، تمایل گسترده به مشارکت مستمر روستاییان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (Shams-aldini et al., 2013). برای رسیدن به توسعه روستایی باید تبعیض‌ها و نابرابری‌های نژادی، فرهنگی، جنسیتی، قومی، دینی و نظایر آن ریشه‌کن شود (Sadeghloo et al., 2020). توسعه پایدار سیاسی روستاها به عنوان یکی از ابعاد کلیدی توسعه روستایی، نیازمند مشارکت فعال و آگاهانه مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، حکمرانی و برنامه‌های توسعه‌ای است. مشارکت مردمی نه تنها موجب افزایش مشروعیت تصمیمات سیاسی در روستاها می‌شود، بلکه زمینه‌ساز ارتقای سرمایه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری شهروندان و بهبود عملکرد نهادهای محلی

خواهد شد (Sari, 2024). مشارکت جوامع روستایی در سرنوشت خویش از اصول حکمروایی روستایی است که می‌تواند مستقیم با نهادهای نمایندگان قانونی آنها صورت گیرد (Azimi Amoli & Rokneddin Eftekhari, 2014).

ایران یکی از کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود که برای رسیدن به توسعه‌ی سیاسی باید زمینه‌های مشارکت سیاسی شهروندان خود به‌ویژه جوامع روستایی را بیش از پیش بهبود بخشد و موانع پیش‌روی آن‌ها را رفع کند زیرا جمعیت کثیری از این مرز و بوم را روستاییان تشکیل می‌دهند؛ از این رو، جوامع روستایی یکی از نیروهای اجتماعی تاثیرگذار در نظام سیاسی و اجتماعی کشور هستند و چگونگی مشارکت سیاسی آنها در توسعه‌ی کشور مهم و اثرگذار است (Heydari sareban, 2018). طبق جدول ۱، مدارک و شواهد فراوان و گسترده‌ای وجود دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح بر طبق پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی یا زمینه‌ای که در آن مشارکت صورت می‌گیرد فرق می‌کند (Rush, 2012).

با توجه به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴، ارتقای مشارکت سیاسی جوانان به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی در سطح ملی مورد تأکید قرار گرفته است (Islamic Republic of Iran Vision 1404, 2003). همچنین، برنامه توسعه استان گیلان در سال ۱۴۰۲ بر توانمندسازی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوانان روستایی تمرکز دارد و ایجاد فرصت‌های مشارکتی را برای آنان ضروری می‌داند (Gilan Governorate, 2023). در این راستا، مطالعه حاضر با هدف شناسایی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان روستایی، اهمیت و ضرورت خود را از منظر سیاست‌ها و اهداف کلان ملی و استانی نشان می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های عملیاتی به‌منظور تقویت حضور سیاسی این گروه فراهم کند.

جدول ۱- ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و مشارکت سیاسی

میزان مشارکت کمتر	میزان مشارکت بیشتر
تحصیلات کمتر، به ویژه فقط تحصیلات متوسطه یا ابتدایی	تحصیلات بیشتر، به ویژه آموزش عالی
طبقه کارگر یا طبقه پایین	طبقه متوسط
زنان	مردان
جوان‌تر و مسن	مسن‌تر، به ویژه میانسال
مجرد	متاهل
ساکنان روستایی	ساکنان شهری
اقامت کوتاه‌تر	اقامت طولانی‌تر
مشارکت اجتماعی کمتر یا عضویت گروه هم‌ستیز	مشارکت اجتماعی و عضویت گروه‌ها یا سازمان‌ها
غیر سفیدپوست	سفید پوست
اقلیت قومی	اکثریت قومی

ماخذ: (Rush, 2012)

با توجه به اهمیت مشارکت فعال و آگاهانه مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، حکمرانی و برنامه‌های توسعه‌ای، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی مورد توجه محققان بوده و مطالعاتی در این زمینه انجام شده است. تحقیق ادوال و همکاران (Adewale et al, 2025) حاکی از این بود که زنان در جوامع روستایی، صرف نظر از تعصبات موجود علیه آن‌ها، به طور فعال در سیاست حزبی مشارکت دارند. همچنین نتایج نشان داد بین سن، جنسیت و وضعیت تاهل با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. لی و نگوین (Le & Nguyen, 2021) به این نتیجه رسیدند که آموزش باعث تقویت علاقه به سیاست و ارتقای کسب دانش سیاسی می‌شود. با این حال، افراد تحصیل کرده بیش از دیگران در انتخابات رای نمی‌دهند و همچنین احتمال بیشتری برای اتخاذ موضعی خاص در طیف سیاسی چپ-راست ندارند. لیپست (lipset, 2020) به این نتیجه رسید که الگوی مشارکت سیاسی در کشورهای مختلف یکسان است. مردان بیشتر از زنان؛ بیشتر آموزش دیده‌ها بیش از کم‌تر آموزش دیده‌ها، شهرنشینان بیشتر از روستاییان، میانسالان بیشتر از جوانان و پیران، متاهلان بیش از مجردان، افراد دارای منزلت بالا و اعضای سازمان‌ها بیشتر در سیاست مشارکت می‌کنند. رامدهان (Ramdhan, 2016) به این نتیجه رسید که میزان مشارکت سیاسی جوامع روستایی در انتخابات بنا به دلایل زیر پایین است: آگاهی سیاسی کم، کیفیت پایین منابع انسانی ناشی از نابرابری در آموزش، سطح پایین آموزش سیاسی، شرایط اقتصادی ناپایدار، نرخ بالای اشتغال موقت به دلیل فرصت‌های شغلی محدود، شرایط نامساعد اجتماعی و سیاسی و رفتار ذهنی جامعه که نسبت به سیاست‌های توسعه‌ای بی‌تفاوت است، حمایت رهبران سیاسی یا غیررسمی، امکانات و زیرساخت‌های موجود در رویدادهای سیاسی، آموزش سیاسی و علاقه به جنبه‌های خاص سیاسی اختر و شیخ (Akhter & Sheikh, 2014) نشان دادند رفتار یک رأی‌دهنده تحت تأثیر عوامل متعددی مانند مذهب، طبقه، جامعه، زبان، پول، خط‌مشی یا ایدئولوژی، هدف رأی‌گیری، میزان حق رای و مواردی از این قبیل است که احزاب و گروه‌های سیاسی از این متغیرها برای پیروزی در نبرد صندوق رأی بهره می‌برند. نتایج تحقیق برادول (Broadwell, 2006). با عنوان «مشارکت سیاسی» حاکی از آن بود که دلسردی از نتایج انتخابات، نظام تک‌حزبی، تردید در اثرگذاری نتیجه انتخابات، عدم رقابت، سکونتگاه، سن، درآمد، میزان تحصیلات، قومیت و نژاد، دین، منفعت‌های شخصی، نیازهای روان‌شناختی و هدف‌های شخصی از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار انتخاباتی به حساب می‌آیند.

نوروزی (Norouzi, 2024) در پژوهش خود دریافت بررسی همبستگی بین شرکت در انتخابات (رای دادن) و ویژگی فردی نمونه (جنسیت، سن، تاهل، تحصیلات و ...) نشان‌دهنده عدم رابطه‌ی معنادار بین متغیرهاست. در واقع، تفاوت‌های فردی نتوانست میزان شرکت در انتخابات را تحت تأثیر قرار دهد. در تحقیق تعجبی و همکاران (Taajobi et al., 2024) نتایج نشان داد

تحصیلات تاثیر چندانی در میزان مشارکت سیاسی جوانان ندارد و بین میزان تحصیلات جوانان، تحصیلات پدر و مادر با مشارکت سیاسی نمونه رابطه معناداری دیده نشد. همچنین بین مشارکت سیاسی جوانان و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد؛ اما بین مشارکت سیاسی جوانان و میزان استفاده آن‌ها از رسانه‌های ارتباط جمعی و میزان استفاده از تلویزیون و روزنامه‌ها رابطه‌ی مثبت وجود دارد و با میزان استفاده از ماهواره و اینترنت، رابطه‌ی منفی وجود دارد. همچنین بین وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و وضعیت اقتصادی نمونه‌ی مورد مطالعه (جوانان) با مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد قادرزاده و همکاران (Ghaderzade et al., 2022) نیز در پژوهش خود دریافتند که میان جنسیت با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد اما میان درآمد با مشارکت سیاسی رابطه آماری معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج تحقیق جعفری کلاریجانی و همکاران (Jafari Kalarijani et al., 2020) مشخص شد که بین متغیرهای مستقل اثربخشی سیاسی، جامعه پذیری سیاسی و باورهای دینی و مذهبی با متغیر وابسته مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری دارند. عباسی و هاشمی (Abbasi & Hashemi, 2019) بدین نتیجه رسیدند که بین متغیرهای سطح تحصیلات پدر، اعتقاد به رسیدن به هدف، موقعیت‌های مقتضی مشارکت و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. قلاوندی (Ghalavandi, 2017) نشان داد مشارکت سیاسی جوانان در این شهرستان تحت تأثیر فرهنگ قبیله‌ای است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که معیار قوم و قبیله‌ای برای جوانان اندیمشکی اهمیت آنچنانی ندارد و لیکن فرهنگ قبیله‌ای رأی این جوانان را کاملاً تحت تأثیر قرار داده است. همچنین عوامل انگیزشی مانند علاقه به سیاست، احساس اثربخشی سیاسی و احساس وظیفه ملی و مدنی دانستن شرکت در انتخابات نیز از عوامل تأثیر گذار بر رأی جوانان این جامعه می‌باشد. علمی (Elmi, 2016) به این نتیجه رسید که میزان مشارکت سیاسی دانشجویان پسر و دختر متفاوت است و پسران مشارکت بالایی نسبت به دختران دارند بر اساس نتیجه تحقیق نگین تاجی و کشاورز (Negintaji & Keshavarz, 2016) بین رسانه‌های جمعی، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی، سیاسی بودن دوستان و سیاسی بودن خانواده با مشارکت سیاسی جوانان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب جنسیت و تحصیلات تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب وضعیت تاهل و محل سکونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین ترتیب که جوانان متاهل بیشتر از جوانان مجرد و جوانان ساکن شهر بیشتر از جوانان ساکن روستا به مشارکت سیاسی می‌پردازند. سخامهر و صداقتی فرد (Sakhamehr & Sedaghatifard) به این نتیجه رسیدند که بین میزان آگاهی سیاسی افراد با میزان تحصیلات آن‌ها رابطه وجود دارد. قاسمی و معالی (Ghasemi & maali, 2015) به بررسی عوامل محدودماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه

زنان پرداختند. نتایج نشان داد عوامل فرهنگی و چگونگی جامعه‌پذیری زنان دلیل این امر می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق جهانگیری و محمدی (Jahangiri & Mohammadi, 2014). میزان مشارکت سیاسی جوانان و میانسال متوسط بوده و انتخابات بیش از سایر جلوه‌های مشارکت سیاسی در میان آن‌ها عمومیت داشته و تفاوتی بین مشارکت سیاسی آن‌ها به دست نیامده است. همچنین مردان جوان بیشتر از زنان جوان و مردان میانسال بیشتر از زنان میانسال به مشارکت سیاسی می‌پردازند. بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب تحصیلات رابطه معنی‌داری به دست نیامد. بین سیاسی‌بودن خانواده، سیاسی بودن دوستان، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی و استفاده از رسانه‌های گروهی با مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان نیز رابطه معنی‌دار و مثبتی به دست آمده است. با توجه به پیشینه تحقیق، پژوهشی که همزمان رابطه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شخص مشارکت‌کننده (از جمله جنسیت، سن، سطح تحصیلات، محل تولد، محل اخذ دیپلم، دانشجوی بودن و شغل) و عوامل مرتبط با خانواده همانند تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل مادر، درآمد خانواده و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با مشارکت سیاسی را بررسی کرده باشد وجود نداشت. همچنین اکثر پژوهش‌های انجام‌شده جامعه شهری و یا دانشجویان را در بر می‌گرفت در حالی که در تحقیق حاضر علاوه بر گستردگی متغیرهای پژوهش، با توجه به نقش جوانان روستایی در توسعه سیاسی کشور، جامعه هدف را جوانان روستایی تشکیل می‌دهد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، کمی است. برای رسیدن به اهداف از روش توصیفی-تحلیلی و پرسشنامه محقق ساخته بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن روستاهای شهرستان‌های شرق استان گیلان تشکیل می‌دادند. شهرستان‌های شرق گیلان شامل آستانه اشرفیه، املش، سیاھکل، رودسر، لنگرود و لاهیجان است. طبق اطلاعات بدست آمده از اداره کل امور روستایی استانداری گیلان، جمعیت جوانان روستایی ساکن این شهرستان‌ها ۶۰۰ نفر برآورد شد که طبق جدول مورگان، تعداد مناسب نمونه برای این جمعیت، ۲۳۴ نفر است. با این حال، در پژوهش حاضر، جهت اطمینان، ۳۰۰ پرسشنامه توزیع شد. بدین ترتیب که جهت انتخاب نمونه آماری، از هر شهرستان، یک بخش به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. در مرحله بعد از هر بخش، یک دهستان (مجموعه‌ای از چند روستا) به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید. با توجه به تعداد زیاد روستاهای گیلان و همچنین دوری و در برخی موارد صعب‌العبور بودن مسیر روستاها، به منظور تسریع در دسترسی به نمونه‌های آماری و جمع‌آوری پرسشنامه و همین‌طور کاهش هزینه، تصمیم گرفته شد تا توزیع پرسشنامه در سطح دهستان (مجموعه‌ای از چند روستا) صورت گیرد. بدین منظور پرسشنامه‌های مورد نظر در اختیار دهداری‌ها قرار گرفت تا در بین ۵۰ نفر از مراجعین ۱۸ تا ۳۵ ساله روستاهای تحت پوشش آن دهستان توزیع

گردد. بعد از جمع‌آوری ۳۰۰ پرسشنامه، ۵۹ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن حذف شدند. بدین ترتیب ۲۴۱ پرسشنامه، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. در این پژوهش، ابزار جمع‌آوری داده‌ها، دو پرسشنامه محقق‌ساخته بود. اولین پرسشنامه به منظور سنجش مشارکت سیاسی مورد استفاده واقع شد که بر اساس تقسیم‌بندی انواع مشارکت سیاسی (با اندکی تغییر و متناسب‌سازی) که تتوچاریس و فان‌دت (Theocharis & Deth, 2018) انجام دادند ساخته شد و موارد زیر مورد سؤال قرار گرفت: «شرکت در انتخابات ریاست جمهوری»، «شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی»، «شرکت در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا»، «شرکت در انتخابات نمایندگان مجلس»، «شرکت در راهپیمایی»، «شرکت در جلسات و سخنرانی‌های سیاسی»، «شرکت در ستادهای انتخاباتی»، «شرکت در احزاب و تشکلهای سیاسی»، «کوشش برای اقناع دیگران در ارتباط با مسأله‌ی سیاسی که خود به آن اعتقاد دارند»، «ارتباط با مقامات یا مسئولین سیاسی»، «پیگیری یا پذیرش مناصب سیاسی»، «تشویق دیگران به شرکت در انتخابات و رأی‌دادن به فردی خاص»، «بحث سیاسی در دیدارهای فامیلی و جمع دوستان»، «جستجو و پیگیری اخبار سیاسی»، «سرزنش دیگران به خاطر شرکت در انتخابات»، «نوشتن نامه اعتراضی به مسئولین»، «شرکت در راهپیمایی‌های اعتراضی». این گویه‌ها نیز به صورت بله یا خیر مطرح شد. از مجموع نمرات هر پاسخگو به این گویه‌ها نمره‌ی فرد در مشارکت سیاسی به دست آمد. با جمع نمرات هر فرد شاخص کلی مشارکت سیاسی به دست آمد.

پرسشنامه محقق‌ساخته دوم بر اساس یافته‌های حاصل از سندکاوی تهیه شد. از بررسی اسناد، پرسشنامه‌ای در یک مقیاس شش گزینه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم، اصلاً) با ۲۳ گزاره طراحی شد که به همراه اطلاعات جمعیت‌شناختی، پرسشنامه اولیه را تشکیل می‌داد. روایی عاملی پرسشنامه‌ها از نظر اعتبار محتوایی، به تأیید متخصصان رسید. روایی محتوایی به روش کیفی با تمرکز بر گروه متخصصین و گروه هدف، بررسی شد. بدین ترتیب که از سه نفر از اساتید گروه اقتصاد کشاورزی و علوم سیاسی دانشگاه گیلان و پنج نفر از جوانان تحصیل‌کرده روستایی خواسته شد تا نظرات و پیشنهادات مورد نظرشان را از نظر مفهوم و محتوای گویه‌ها، ترتیب گویه‌ها، رعایت دستور زبان فارسی، داشتن تناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی گروه هدف و ساختار کلی ابزار در مورد تک‌تک گویه‌ها بیان نمایند. همچنین برای اندازه‌گیری روایی صوری پرسشنامه به منظور بررسی کلمه‌ها و جمله‌بندی در حوزه دانش سیاسی، از نظر اساتید گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان استفاده شد، در نتیجه نقایص ساختاری پرسشنامه، شناسایی و اصلاحات لازم، جهت برآورده ساختن روایی صوری صورت پذیرفت. بدین ترتیب تعداد گویه‌ها پس از بررسی نظرات گروه هدف و اساتید صاحب‌نظر و بازبینی و حذف سؤالات با مفهوم مشترک یا نامناسب و نامفهوم، از ۲۳ گویه به ۱۴ گویه کاهش یافت که پرسشنامه تحقیق را تشکیل می‌داد.

جهت بررسی پایایی ابزار پژوهش، تعداد ۳۰ پرسشنامه در اختیار جوانان روستایی قرار گرفت. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، مقدار آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۸ محاسبه شد که برابر با ۰/۸۳ به دست آمد و این مقدار، نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزار برای ادامه‌ی پژوهش بود.

در این پژوهش، به منظور بررسی رابطه‌ی میان عوامل جمعیت‌شناختی و میزان مشارکت سیاسی، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) استفاده شد. سطح معناداری آزمون‌ها در حد $p \leq 0/05$ در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۸ انجام گرفت. پیش از انجام تحلیل‌های نهایی، داده‌ها از نظر ناهنجاری‌ها مورد غربالگری قرار گرفتند و داده‌های پرت تک‌متغیره با استفاده از نمودار جعبه‌ای شناسایی و اصلاح شدند. بررسی نرمال بودن متغیر «مشارکت سیاسی» نشان داد که مقدار کجی (۰/۰۰۹) و کشیدگی (۱/۰۶-) در دامنه‌ی مجاز ± 2 قرار دارند؛ بنابراین، توزیع متغیر نرمال بوده و استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس توجیه‌پذیر تشخیص داده شد.

نتایج و بحث

آمار توصیفی و همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است. شاخص‌های فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز در جداول ۱ و ۲ گزارش شده‌اند. دامنه نمرات متغیر مشارکت سیاسی - که از ترکیب ۱۹ سؤال تشکیل شده است - از حداقل صفر (به معنای عدم مشارکت) تا حداکثر ۱ (به معنای مشارکت کامل) متغیر بود. میانگین کل مشارکت سیاسی در نمونه پژوهش برابر با ۰/۴۷ (یا ۴۷ درصد) به دست آمد که نشان‌دهنده سطح متوسط مشارکت سیاسی در میان پاسخگویان است. انحراف معیار این متغیر ۰/۲۵ و حداقل نمره به دست آمده برابر با ۰ و حداکثر نمره ۰/۹۲ بود. در جدول ۱، تفاوت میزان مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مرتبط با خود پاسخگو (جنسیت، سن، تحصیلات، محل تولد، محل اخذ دیپلم، دانشجوی بودن و شغل) بررسی شده است. در جدول ۲ نیز تفاوت مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مرتبط با خانواده پاسخگو (تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل مادر، درآمد خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲- بررسی تفاوت مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی
(مرتبط با خود پاسخگو) با استفاده از آزمون تحلیل واریانس (n= ۲۴۱)

متغیر	طبقه	تعداد	درصد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	مقدار p	اندازه اثر
جنسیت	مرد	۱۵۳	۶۳/۵	۰/۴۸	۰/۲۳	۰/۳۴	۰/۵۶۰	۰/۰۰۱
	زن	۸۸	۳۶/۵	۰/۴۶	۰/۲۹			
سن	۲۲ تا ۲۵	۲۴	۱۰	۰/۵۱	۰/۱۳	۲/۹۵	۰/۰۵۴	۰/۰۲۴
	۲۶ تا ۲۹	۲۴	۱۰	۰/۳۶	۰/۱۶			
	۳۰ تا ۳۵	۱۹۳	۸۰/۱	۰/۴۸	۰/۲۷			
سطح تحصیلات	دبیرستان	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۸	۰/۲۰	۳۴/۹۱	<۰/۰۰۱	۰/۳۷۲
	دیپلم	۸۱	۳۳/۶	۰/۲۹	۰/۲۱			
	فوق دیپلم	۱۶	۶/۶	۰/۵۴	۰/۱۶			
	لیسانس	۶۴	۲۶/۶	۰/۶۳	۰/۲۱			
	فوق	۱۶	۶/۶	۰/۵۷	۰/۱۲			
محل تولد	روستا	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۴۸	۰/۲۵	۱/۳۷	۰/۲۴۳	۰/۰۰۶
	شهر	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۴	۰/۲۴			
محل اخذ دیپلم	روستا	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۴۸	۰/۲۶	۰/۶۶	۰/۴۱۷	۰/۰۰۳
	شهر	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۵	۰/۲۵			
دانشجو بودن	خیر	۱۸۹	۷۸/۴	۰/۴۳	۰/۲۶	۱۸/۶۸	<۰/۰۰۱	۰/۰۷۵
	بله	۵۲	۲۱/۶	۰/۶۰	۰/۲۰			
شغل	کشاورزی	۸۰	۳۳/۲	۰/۴۲	۰/۲۵	۲۰/۷۸	<۰/۰۰۱	۰/۲۶۰
	کارمند	۴۸	۱۹/۹	۰/۷۱	۰/۲۱			
	معلم	۳۲	۱۳/۳	۰/۴۶	۰/۰۶			
	بیکار	۱۶	۶/۶	۰/۵۸	۰/۲۰			
	سایر	۶۵	۲۷	۰/۳۵	۰/۲۳			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۲ نشان داد که بین سطح تحصیلات، دانشجو بودن و شغل پاسخگویان با میزان مشارکت سیاسی آنان تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). مطابق یافته‌ها، به‌طور کلی رابطه‌ای مثبت بین میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی مشاهده شد؛ به‌گونه‌ای که افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در مقایسه با افراد دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، از مشارکت سیاسی بیشتری برخوردار بودند. بالاترین میانگین مشارکت سیاسی مربوط به افراد دارای تحصیلات لیسانس با مقدار $0/63$ و کمترین میزان مشارکت مربوط به افراد دارای تحصیلات دیپلم با مقدار $0/29$ بود. همچنین نتایج نشان داد دانشجو بودن تأثیر مثبتی بر مشارکت سیاسی دارد ($p < 0/05$). میزان مشارکت سیاسی در نمونه دانشجویان برابر با $0/60$ و در نمونه غیردانشجویان برابر با $0/43$ بود که بیانگر نقش مثبت دانشجو بودن در افزایش مشارکت سیاسی است. علاوه بر این، بین شغل افراد و میزان مشارکت سیاسی آنان نیز تفاوت معناداری مشاهده شد ($p < 0/05$). یافته‌ها نشان داد بالاترین میزان مشارکت سیاسی مربوط به شغل کارمند با مقدار $0/71$ و افراد بیکار با مقدار $0/58$ بود، در حالی که کمترین میزان مشارکت سیاسی به گروه سایر مشاغل با میانگین $0/35$ و شغل کشاورزی با میانگین $0/42$ اختصاص داشت. برای بررسی شدت اثر روابط، از شاخص اندازه اثر مجذور جزئی اتا استفاده شد. بر اساس تفسیر این شاخص، مقدار $0/01$ نشان‌دهنده شدت اثر کوچک، مقدار $0/06$ نشان‌دهنده شدت اثر متوسط و مقدار $0/14$ نشان‌دهنده شدت اثر بزرگ است (Pallant, 2010). نتایج مجذور جزئی اتا نشان داد قوی‌ترین تفاوت در مشارکت سیاسی به‌ترتیب مربوط به سطح تحصیلات با ضریب $0/372$ ، شغل با ضریب $0/260$ و دانشجو بودن با ضریب $0/075$ بود. در جدول ۲، تفاوت مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مرتبط با خانواده پاسخگو مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳- بررسی تفاوت مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی
(مرتبط با خانواده پاسخگو) با استفاده از آزمون تحلیل واریانس

متغیر	طبقه	تعداد	درصد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	مقدار p	اندازه اثر
تحصیلات پدر	بی سواد	۱۲۹	۵۳/۵	۰/۴۱	۰/۲۵	۱۱/۴۸	<۰/۰۰۱	۰/۰۸۸
	دبیرستان	۷۲	۲۹/۹	۰/۵۲	۰/۲۵			
	دیپلم و	۴۰	۱۶/۶	۰/۶۰	۰/۱۹			
تحصیلات مادر	بی سواد	۱۶۱	۶۶/۸	۰/۳۹	۰/۲۴	۳۲/۸۴	<۰/۰۰۱	۰/۲۱۶
	دبیرستان	۵۶	۲۳/۲	۰/۶۶	۰/۱۵			
	دیپلم و	۲۴	۱۰	۰/۵۹	۰/۲۴			
شغل پدر	کشاورزی	۲۰۹	۸۶/۷	۰/۴۷	۰/۲۶	۰/۰۴	۰/۹۵۷	۰/۰۰۱
	سایر	۲۴	۱۰	۰/۴۹	۰/۲۱			
	کارمند یا	۸	۳/۳	۰/۴۶	۰/۱۶			
شغل مادر	خانه دار	۴۸	۱۹/۹	۰/۴۰	۰/۲۵	۳/۴۸	۰/۰۳۲	۰/۰۲۸
	کشاورزی	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۵۰	۰/۲۶			
	کارمند یا	۱۶	۶/۶	۰/۴۲	۰/۱۵			
درآمد خانواده	کمتر از ۱۰	۹۶	۳۹/۸	۰/۴۸	۰/۲۵	۰/۴۰	۰/۶۷۳	۰/۰۰۳
	۱۰ تا ۱۵	۸۰	۳۳/۲	۰/۴۵	۰/۲۸			
	بیشتر از	۶۵	۲۷	۰/۴۹	۰/۲۲			
پایگاه اقتصادی اجتماعی	پایین	۱۲۸	۵۳/۱	۰/۳۹	۰/۲۶	۱۷/۹۱	<۰/۰۰۱	۰/۱۳۱
	متوسط	۷۳	۳۰/۳	۰/۵۵	۰/۲۲			
	بالا	۴۰	۱۶/۶	۰/۶۰	۰/۱۹			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۳ نشان داد که بین تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل مادر و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی افراد تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). مطابق یافته‌ها، به‌طور کلی افزایش سطح تحصیلات پدر و مادر با افزایش میزان مشارکت سیاسی همراه بود. میزان مشارکت سیاسی در افرادی که پدر یا مادر آنان بی‌سواد بودند، کمتر از سایر افراد گزارش شد. همچنین میزان مشارکت سیاسی در افرادی که مادر آنان شاغل (کشاورز) بود، بالاتر از افرادی بود که مادرشان خانه‌دار بود؛ این امر بیانگر نقش مثبت اشتغال مادر در افزایش مشارکت سیاسی افراد است. متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی که از مجموع نمرات مربوط به تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر و درآمد خانواده تشکیل شده است، نیز با میزان مشارکت سیاسی تفاوت معناداری

نشان داد ($p < 0.05$). به طوری که کمترین میزان مشارکت سیاسی با مقدار ۰/۳۹ مربوط به پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین و بیشترین میزان مشارکت سیاسی با مقدار ۰/۶۰ مربوط به پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر مشارکت سیاسی جوانان روستایی شرق استان گیلان انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. در تبیین این موضوع می‌توان از نظریه اثربخشی سیاسی رابرت دال بهره گرفت؛ بر اساس این نظریه، اثربخشی سیاسی نگرشی است که طی آن فرد احساس می‌کند مشارکت سیاسی او بر فرایندهای سیاسی اثر گذاشته و امکان کنترل بر آن‌ها را فراهم می‌سازد (Jafarnia, 2012). زمانی که افراد یک جامعه احساس کنند در رسیدن به اهداف خود مؤثرند، در چنین فعالیتهایی مشارکت می‌کنند؛ اما هنگامی که تصور کنند مشارکت سیاسی آنان تأثیری بر اوضاع جامعه و زندگی‌شان ندارد، از این فعالیت‌ها کناره‌گیری می‌کنند (Ghaderzadeh, 2019). بنابراین اگر افراد در ارزیابی خود دریابند که پاداش حاصل از درگیری‌های سیاسی نسبت به سایر فعالیت‌ها ناچیز است، به طور طبیعی کمتر در سیاست مشارکت خواهند کرد. حال اگر در نظر بگیریم افرادی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردارند، این موقعیت را مدیون نظام سیاسی - اقتصادی حاکم می‌دانند، می‌توان انتظار داشت که برای تداوم این نظام، مشارکت سازنده‌تری داشته باشند. همچنین طبق نظریه مشروعیت ماکس وبر، نظام‌های سیاسی و اقتصادی برای بقا نیازمند مشروعیت هستند و کسانی که در این نظام‌ها در موقعیت ممتازی قرار دارند، معمولاً آن را مشروع و موجه جلوه می‌دهند (Weber, 2015). یکی از روش‌های مشروعیت‌بخشی به نظام حاکم نیز مشارکت سیاسی سازنده است. از این رو می‌توان گفت افرادی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالایی برخوردارند، با مشارکت سیاسی خود به تقویت نظام سیاسی کمک می‌کنند و بنابراین یافته تحقیق دور از انتظار نیست. نظریه دیگری که می‌توان برای پشتیبانی از یافته تحقیق به آن استناد کرد، نظریه سیستم جان جاست (Jost, 1994) یا نظریه «توجیه نظام» است. طبق این نظریه، افراد (حتی گاه فرودستان) تمایل دارند نظام اجتماعی - اقتصادی حاکم را موجه بدانند؛ اما این گرایش در طبقات بالا شدیدتر است، زیرا آنان سود بیشتری از نظم موجود می‌برند. بنابراین در اینجا نیز می‌توان نتیجه گرفت که طبقات بالا با مشارکت خود به تداوم و تقویت نظام حاکم کمک می‌کنند. در نهایت، نظریه سرمایه بورديو نیز قابل اشاره است. بورديو معتقد است افرادی که سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بیشتری دارند، این وضعیت را حاصل قواعد و ساختارهای نظام موجود می‌دانند و می‌کوشند آن را حفظ کنند؛ به عبارتی، آنان سرمایه خود را در دل همین نظم اجتماعی انباشت و بازتولید می‌کنند (Bourdieu, 2015).

2018). بر این اساس نیز طبقات بالا با مشارکت سیاسی خود به مشروعیت بخشی نظام سیاسی موجود کمک می کنند و از این منظر نیز یافته پژوهش تأیید می شود.

طبق یافته های تحقیق میان میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی رابطه مثبتی وجود دارد. بر اساس نظریه نوسازی^۱ که دانشمندی چون ساموئل هانتینگتون، لیپست و لرنر آن را نمایندگی می کنند هرچه جوامع از نظر اقتصادی، فرهنگی و آموزشی توسعه یافته تر می شوند میزان تحصیلات در جامعه افزایش می یابد. این افزایش تحصیلات باعث رشد آگاهی سیاسی، علاقه مندی به مسائل سیاسی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان می شود. لیپست (Lipset, 1959) می نویسد: مردم تحصیل کرده تر، بیشتر به فرآیندهای سیاسی علاقه مندند و مشارکت فعال تری دارند طبق این نظریه «افزایش دانش و آگاهی سیاسی، رشد احساس مسئولیت اجتماعی و مدنی، بهبود مهارت های ارتباطی و تحلیل مسائل سیاسی و افزایش فرصت های دسترسی به رسانه ها و منابع اطلاعاتی» باعث می شود تحصیلات مشارکت سیاسی را افزایش دهد. همچنین بر اساس نظریه بسیج منابع^۲ تحصیلات یکی از منابع فردی است که به مشارکت سیاسی کمک می کند (McCarthy, 1977). همچنین بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی^۳ پاتنام (Putnam, 2000) تحصیلات بالاتر باعث ایجاد شبکه های اجتماعی و گروه های داوطلبانه می شود که مشارکت سیاسی را تسهیل می کند. بر اساس مطالب گفته شده، یافته های تحقیق دور از انتظار نبودند.

رابطه مثبت میان دانشجو بودن و مشارکت سیاسی را می توان با نظریه بسیج سیاسی^۴، نظریه منابع مشارکت^۵ و نظریه نسل جدید^۶ و جنبش دانشجویی تبیین کرد. بر اساس نظریه بسیج سیاسی دانشجویان به دلیل حضور در محیط های دانشگاهی و ارتباط با منابع اطلاعاتی و تشکل های سیاسی، بیشتر در معرض بسیج سیاسی قرار دارند. دانشگاه ها مکان های مؤثری برای افزایش آگاهی سیاسی، شکل گیری هویت سیاسی و فرصت های مشارکت هستند. بر اساس نظریه منابع مشارکت سه عامل اصلی در مشارکت سیاسی مطرح است: ۱. منابع فردی (مثل تحصیلات، زمان آزاد، درآمد) ۲. انگیزه ها ۳. شبکه ها و فرصت ها. طبق این نظریه دانشجو بودن همزمان هر سه را افزایش می دهد. تحصیلات دانشگاهی باعث افزایش آگاهی و مهارت سیاسی، فضای دانشگاه باعث فرصت و شبکه و بالاخره روحیه جوانی و انگیزه مندی باعث گرایش به مشارکت می شوند (Verba, 1995). همچنین بر اساس نظریه نسل جدید، نسل جوان به ویژه دانشجویان به دلیل داشتن آرمان خواهی، جستجوی هویت و حساسیت به مسائل اجتماعی-سیاسی، مشارکت سیاسی

-
1. Modernization Theory
 2. Resource Mobilization Theory
 3. Social Capital Theory
 4. Political Mobilization Theory
 5. Civic Voluntarism Model
 6. New Generation Theory

بیشتری دارند. این نظریه در مطالعات دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی در غرب و بعدتر در کشورهای در حال توسعه به ویژه درباره جنبش‌های دانشجویی مطرح شده است (Altbach, 1989). بنابراین یافته‌های تحقیق با این نظریات همسو می‌باشد.

بر اساس یافته‌های تحقیق میان نوع شغل و مشارکت سیاسی رابطه مستقیم وجود دارد. برای رابطه مثبت نوع شغل و مشارکت سیاسی می‌توان به سه نظریه معتبر استناد کرد. نظریه منابع مشارکت یا مدل داوطلبی مدنی (Verba, 1995)، نظریه منزلت اجتماعی (Weber, 2015) و نظریه نوسازی (Lipset, 1959) در مدل داوطلبی منابع، نوع شغل یکی از منابع مشارکت در نظر گرفته می‌شود. شغل‌های تخصصی‌تر، مدیریتی، و وابسته به بخش عمومی معمولاً میزان بیشتری از مشارکت سیاسی دارند، چون دسترسی به اطلاعات سیاسی بیشتر است فرصت‌های ارتباطی و شبکه‌ای وسیع‌تری دارند اعتماد به نفس و احساس تأثیرگذاری بیشتری در سیاست دارند. بر اساس این مدل شغل کارمندی (به‌ویژه در مشاغل دولتی، آموزشی، اداری و حرفه‌ای) به عنوان یک منبع مشارکت عمل می‌کند. چون افراد در این مشاغل به اطلاعات سیاسی و اجتماعی بیشتری دسترسی دارند زمان و فرصت بیشتری برای مشارکت دارند و شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی مؤثرتری دارند و معمولاً احساس اثربخشی سیاسی بیشتری دارند. همچنین در این مدل بیکاری به معنای نداشتن منابع لازم برای مشارکت است: منابع اقتصادی (درآمد) برای کمک مالی، هزینه جابه‌جایی، دسترسی به رسانه‌ها، همچنین منابع اجتماعی و شبکه‌های بسیج کارمندان و شاغلان بیشتر در معرض شبکه‌ها و دعوت‌های سیاسی‌اند و درباره احساس اثربخشی سیاسی بیکاران باید گفت بیکاران معمولاً حس می‌کنند صدایشان شنیده نمی‌شود بنابراین مشارکت سیاسی افراد بیکار در مقایسه با شاغلان کمتر است. نظریه منزلت اجتماعی^۱ ریشه در آثار ماکس وبر دارد. بر اساس این نظریه موقعیت شغلی (و اقتصادی) بالاتر، جایگاه اجتماعی بیشتری فراهم می‌کند و باعث افزایش حس تعلق و مسئولیت‌پذیری سیاسی می‌شود و مشارکت سیاسی را تقویت می‌کند. شغل‌های رسمی و دفتری (مثل کارمندان) به دلیل داشتن منزلت اجتماعی بالاتر، امنیت شغلی و ارتباط سازمانی گسترده‌تر، تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی دارند چون این افراد بیشتر در فرآیندهای نهادی و تصمیم‌گیری درگیر می‌شوند و احساس تعلق سیاسی بیشتری دارند. در نظریه نوسازی نیز لیپست معتقد است شغل‌های مدرن‌تر و تخصصی‌تر (در جوامع مدرن) باعث افزایش تحصیلات، آگاهی و مشارکت سیاسی می‌شوند و هرچه شغل فرد مستلزم مهارت، دانش و ارتباطات بیشتری باشد، احتمال مشارکتش در سیاست هم بالاتر می‌رود. در چارچوب این نظریه هرچه افراد در مشاغل مدرن‌تر و تخصصی‌تر (مثل کارمندی) قرار بگیرند، سطح تحصیلات، آگاهی و ارتباطات اجتماعی‌شان بالاتر می‌رود و به تبع آن مشارکت سیاسی‌شان هم افزایش پیدا می‌کند. بر اساس

نظریه نوسازی در جوامع در حال گذار، شاغل بودن افراد در مشاغل مدرن و ساختارمند، سطح آگاهی، ارتباطات و اعتماد به نفس سیاسی را بالا می‌برد. در مقابل، بیکاری و فقدان موقعیت شغلی منظم باعث انزوای اجتماعی و ضعف مشارکت سیاسی می‌شود. بر اساس نظریه محرومیت نسبی^۱ بیکاری می‌تواند در دو حالت عمل کند؛ در اغلب موارد باعث کاهش مشارکت سیاسی رسمی (انتخابات، راهپیمایی مجاز، نامه‌نگاری و...) می‌شود چون فرد بیکار احساس انزوا، ناتوانی و بی‌اثری می‌کند اما در مواقعی هم (در قالب اعتراضات، شورش‌ها و نافرمانی‌های سیاسی) افزایش می‌یابد پس در مشارکت سیاسی نهادی و متعارف، بیکاری مشارکت را کاهش می‌دهد. بنابراین درباره رابطه نوع شغل و بیکاری با مشارکت سیاسی، یافته تحقیق حاضر در راستای این نظریه‌های گفته شده می‌باشد و قابل انتظار بوده است.

در مورد رابطه مستقیم و مثبت تحصیلات پدر و مادر با مشارکت سیاسی می‌توان از نظریه‌های انتقال اجتماعی^۲، منابع مشارکت و سرمایه فرهنگی^۳ نام برد. بر اساس نظریه انتقال اجتماعی (Jennings, 1974) خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی شدن سیاسی، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای سیاسی را به فرزندان منتقل می‌کند. والدین با تحصیلات بالاتر خود مشارکت بیشتری در سیاست دارند، در منزل بیشتر درباره سیاست گفت‌وگو می‌کنند و منابع شناختی و فرهنگی بیشتری در اختیار فرزندان قرار می‌دهند و بدین طریق فرصت و تشویق بیشتری برای مشارکت فرزندان در فعالیت‌های سیاسی فراهم می‌کنند. بر اساس مدل منابع مشارکت، منابع خانوادگی (از جمله تحصیلات والدین) به عنوان یکی از منابع مهم برای مشارکت سیاسی فرزندان محسوب می‌شود و تحصیلات بالاتر والدین باعث بالابردن سطح فرهنگی و سرمایه اجتماعی خانواده، بیشترکردن شبکه‌های ارتباطی و فرصت‌های تعامل سیاسی و تقویت آگاهی و تمایل فرزندان به مشارکت می‌گردد. بر اساس نظریه سرمایه فرهنگی که بوردیو (Bourdieu, 1986) آن را نمایندگی می‌کند خانواده‌های با سرمایه فرهنگی بالاتر (که تحصیلات والدین هم یکی از مؤلفه‌های آن است)، فرزندان‌شان را مجهز به مهارت‌ها، دانش و نگرش‌هایی می‌کنند که مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد این سرمایه فرهنگی از طریق رفتار، گفت‌وگو، و دسترسی به منابع فرهنگی و آموزشی منتقل می‌شود. یافته پژوهش نیز در راستای نظریه‌های گفته شده می‌باشد.

در تحقیق بین جنسیت و مشارکت سیاسی جوانان روستایی رابطه‌ی معناداری دیده نشد که هم‌راستا با نتیجه تحقیق مگانلی و همکاران (Manganelli et al, 2014) است که نشان داد از نظر رأی دادن در انتخابات تفاوت معنی‌داری بین دختران و پسران وجود ندارد. این نتایج را می‌توان چنین تبیین کرد که در شرایط اجتماعی معاصر، فرصت‌ها و کانال‌های مشارکت سیاسی برای دختران و

1. Relative Deprivation Theory

2. Social Transmission Theory

3. Cultural Capital Theory

پسران به‌طور نسبی همسان‌تر از گذشته فراهم شده است. حضور هر دو جنسیت در دانشگاه‌ها، دسترسی گسترده به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و همچنین گسترش آگاهی‌های سیاسی، موجب شده است که جنسیت به‌تنهایی نتواند تعیین‌کننده میزان مشارکت سیاسی باشد. در واقع، آنچه بیش از جنسیت بر رفتار سیاسی اثر می‌گذارد، عوامل دیگری مانند پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، سطح تحصیلات، و میزان دسترسی به منابع اطلاعاتی و ارتباطی است. بنابراین، گرفت که الگوی مشارکت سیاسی جوانان بیش از تمایزات جنسیتی، بازتاب تغییرات فرهنگی، آموزشی و ارتباطی در جامعه امروز است.

همچنین نتایج تحقیق بیان‌گر این است که بین شغل پدر و مشارکت سیاسی جوانان روستایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این نتیجه را می‌توان چنین تبیین کرد که در شرایط اجتماعی امروز، منابع جامعه‌پذیری سیاسی جوانان تنها به خانواده و موقعیت شغلی پدر محدود نمی‌شود؛ بلکه آموزش رسمی، دانشگاه، رسانه‌های جمعی، شبکه‌های اجتماعی و گروه همسالان نقش مؤثرتری در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، گرچه در گذشته پایگاه شغلی و منزلتی پدران می‌توانست بر سرمایه اجتماعی و سیاسی فرزندان اثرگذار باشد، اما تحولات فرهنگی و ارتباطی موجب شده است که استقلال رأی و کنش سیاسی جوانان افزایش یابد و اثرگذاری شغل پدر در این زمینه کاهش پیدا کند. بنابراین، می‌توان گفت جامعه‌پذیری سیاسی نسل جدید بیش از آنکه از وضعیت شغلی پدر تأثیر پذیرد، تحت نفوذ نهادهای آموزشی و ارتباطی نوین قرار دارد.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، می‌توان پیشنهادهای زیر را جهت افزایش میزان مشارکت سیاسی جوانان روستایی ارائه داد:

- تقویت صدا و سیمای استانی با تولید برنامه‌هایی با تأکید بر نقش مهم جوانان روستایی در توسعه روستا.
- دعوت دهیار، امام جماعت محل، رئیس پاسگاه از خانواده‌های با تحصیلات بالا در برخی از مراسمات روستا.
- دعوت از جوانان نخبه روستایی از جمله دانشجویان موفق، برای سخنرانی در نماز جماعت روستا با هدف آگاه‌سازی جوانان نسبت به مسائل سیاسی.
- تشکیل نشست‌های غیر رسمی جوانان روستایی با خانواده‌هایی که از پایگاه اقتصادی اجتماعی بالایی برخوردارند با حمایت دهیاری‌ها یا شوراهای.
- اعطای بورس‌ها و حمایت‌های تحصیلی به فرزندان خانواده‌های روستایی با هدف ارتقای سطح تحصیلات و تقویت مشارکت سیاسی در نسل جوان.

- حمایت از برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی- اجتماعی خانواده‌های روستایی از طریق وام‌های خرد، توسعه تعاونی‌ها و حمایت از تولیدات محلی برای تقویت پایگاه اقتصادی و افزایش تمایل به مشارکت سیاسی.

منابع

- .. bb sss i, KHJ & Hssemi, A. (111). An Isss tiaation ff tee Leel of iiii tiaal Prticiaatinn ddd tee ccc ial, oooooo i,, nnd Cll turll Fcctrr s Ifflnnnii gg It (Cae Styyy: Urrrr rr uuuuuue ddddtt s ff Illmmic Aaad Uii rrr iity, uuuttt rr Bran,,, in tee Yaar 8888). *Scientific-Research Quarterly Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch*, 2(33)4 444.... [In rrr sinn]
- .. Alllll ll O. C,, Aooooonn, O. B,, Ojjjj ele. , T. ,, Ga,,,,, ,, A,, & Riww,, .. (5555). Gnnrrr , Ill itiaal particiaatinn ddd dmnrrr ttic grrrr ncce in rrr ll Nieerinn commnnitiss. *SIASAT*, 1(() , 55-... DOI: tt tp://dii oα// 18888888siaatviii 14444
- .. Amnddi, H. (001)). Ill iticll ooii olyyy ff Islamic Mmmmm .. Trrr nn: Imam Seeehh Plll iaatiss . [IP Prrsinn]
- .. Attt rr, ,, & eei,, Y. A. (4444.. Dtt rrminttt s ff votigg aaaa viuur in Iiii :: hhr rr ttiaal prrseetti... *Public Policy and Administration Research*, ((8)4 444888 .
- .. Aii mi Amoli, ,, & Reeiii n ff terrr i, A. (00)) . Rrr ll Gvrrncce (sss tii bbble Deeelppmnnt aa gggmntt), hhrnn: aamt llll ictti.... .In rrr si..]
- .. Aiii ,, .. (4444). ooii oloyy of Deeelppmnnt ddd Urrrr deeelppmnnt, Trrr :: Ettll aat llll lctt inn.. [Ir rrr rr]]
- .. Altaa,, P. G. ())))) tt tttt oolitiaal Att iii mm An Itt eraatinnal Rffrrccco oooooo oooGreewvee eee ee.
- .. Arrrrr r (4444). On-liee oolitiaal rrr tiii pti:: aaattures nd iuuuullity btt wenn the iitizss. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 3332 277-233.
- .. Bssii riyhh, H. (9999). Ottt alles to lll iticll Deeelppmnnt in Irnn. Trrr :: Gmmpppp ppppiaati... . Ir rrr rr]]
- ... Brrr ii ,, P. ())))) Distintt inn : a sii ll critiee of tee jeeee mnnt of tsste (Trnnlatinn yy Hssaan Caahhhinn, 7777), Trrr nn: Aaah iiii ii tinn.. [Ie ee rsinn]

- ... Brrr ii,,, P. (888)). hhe mmmmmff Ciii tal. In Riaaar,,,, J. G. (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education: Greewddd*.
- ... Breeeee d, W. (000)). lll itiaal rrr tiii ptt i... Grrr gia rrr imeter lll lgge rdddddll e: nnnnnn nmmsss .
- ... Dll aaary, A. (7777). Clssii c aattrns of oolitiaal Deeelpmnnnt: A stddy ff Wsstrn Err pp.. *Social development & walfare planning*, (((7), 99-.... [Ie eerii nn]
- ... mmm.. (6666). Geeeer, Pll itiaal eeeee eee,, ddd ooliticll aarticiaation ff iii vrrsity ttdttt s, *Journal of Woman & Study of Family*, 1()), 553-.... [Ie eerii nn]
- ... Geeeraahhh, O,, rrrr ifi, F,, & Hssnnnnnni, .. (9999). lll itiaal rrr ticiaatinn nnd the rll ttd fattors; a rrr yyy tddy ff stddtt s at iii eersity ff Krr distnn, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, (()), 33-.... [In eerii nn]
- ... Geeeraa,,, D,, hhhrrbbi, CHH & Hoeiii, .. ())))) A ooi al aaaaaattinn ff Yott h ooliticll aarticiaatinn, Ntt innll Cfff rrrnee on Itt erdicill inrry Rsserrhh in Humnnities add Irai an-Islamic Culture. [IP Prr sinn]
- ... Gsss emi, H,, & Maali, F. (5555). eee Ottt cclss of wmmn's limited pll itiaal particiaatinn in Iran. *Research Letter of Political Sciense*, 1((1), 444-666. [Ie eerii nn]
- ... Glll vviii , .. (2))) . An Issss tigtt inn of tee Fcctr s Ifflnnnii ng the iii tial rrr tiii ptt inn of Yttt h in Aiii mekkk Cuutt y, aa strr hhsis ff lll iticll cciccc,, Fcculty ff wwwddd lll itiaal Sii eeee, Unieersity ff aa aaaaar... [IP Prr sinn]
- ... Gilnn Geeeroorate (00))) . Gilnn ooii nii al Deeelpmnnnt aaa.. Rattt : Officf ff Plnnii gg vv vv vppmnnnt of GilPP Riii eee. [IP Prr sinn]
- ... Hssmni, A. (2))) . ccool ddd lll itiss, Terra:: Office frr Cultural Affiirs Plnnnigg ddd Ceeeeeein,, Minittry of aaaaa aio.. [In rrr sinn]
- ... Haaaaari Srre,,, D. V. (00))) . Effettiee fattors in imrr iii gg pll itiaal rrr ticiaatinn from the ii nnnnnnn ff ii lleers (Case ttu::: Ardiii l ii t)). *Geography And Territorial Spatial Arrangement*, ((66), 999-888. [IP Prr sinn]
- ... Illmnic Ruuull ic ff Irnn Visinn3333). eeeee e aaannigg Ccccc il. Trrr :: Offiee frr Delll ppmnnnt ll iii ... [Ie eersinn]

- ... aafari Kalarijn, ,, Azi, A., & aaaa mmddi, A. (20))) . eee styty of cccill ddd uultr al fatt ors ffett igg lll iticll aarticiaatinn amggg oott h in aa zaaaarnn rrii nee. *Journal of Iranian Social Development Studies*, (((22)3 33... [IP Prr sinn]
- ... aafarii a, G. (2222). a rrr eey ff ccio-ccoomic fctors ffett igg tee rtt e ff oormjj reii dttt s oolitiaal rrr tiii ttt inn. *Journal of Research Letter of Political Science*, ((2), 77-222. [In rrr iinn]
- ... aaggggiri, ,, & hhh mmddi, F.(111)) . A oomaarative styty ff rrrr bbad mamssiii 's ggggg nnd midll e-eeed eelll " s oolitiaal rrr ticiaatinn and tee rll atdd ccial fctor.. *Ferdowsi university of mashhad journal of sciences*, 1((2)), 11-2.. tt tp://dii oα// 17777777ss11li777777 [In rrr sinn]
- ... eeiii sss , .. K., & Niemi, R. G. (777)) . eee oolitiaal crrr cctr of llll eceeee: the influcce ff familiss add ccllll s: Prieeton Uii vrrsity eeess.
- ... ssst, .. T., & Baaaji, .. R. ())))) hhe rll e ff strttt iii gg in ssstem jstfictt inn ddd tee rrr cccc tinn ff fl se cccciiss sss .. *British journal of social psychology*, 33()), 1-...
- ... Kffff fr, GHJ Barr r iaa,, M., & aanhhhi, F. (9999). eee relt inniii p ttt wecc cccal aapitll add lll itiaal rrr tiii ptt ioo of ii tieen((Csss styty: Grr nnn). *Tow Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, ((()), 77-... Dii : 2222222/CRR..... [In rrr sinn]
- ... ee, K., & N,,,,, ,, (2))) . cccc ttinn ddd oolitiaal gggeemmn.. *International Journal of Educational Development*, 55, 4444444 DOI: tt tp://dii oα// 1666666.ijevvvvvvv4444444.
- ... ssss et, .. (9999). oome cccill ruuisitss ff eemrrr a:: eooooomic eeelmmmt ddd lll itical lii timayy. *American Political Science Review*, 5((1)9 99555 .
- ... ssss et, S... (2))) . ooliticll M:: Tee iiii ll Bssss of iiii ties (Tralll ttdd yy aarioorz aa jidi), Thhrnn: aamt llll iaati.... .In rrr sinn]
- ... aa rx, K., & gggl,, F. (2))) . uuurbcch add eee Grrmn Idlll yyy (Tralll ttdd yy Bhhrr Prrmmdd Ahmdd Taaayoo), Thhrnn: Aaah iiii ii tinns.
- ... cc Crrty, .. D., & aa l,, M. N. ())))) Rssuorce mbbiliaation ddd ccial meemnts: A prrtill thrrr y. *American journal of sociology*, 22()), 1112-.....

cc aaa,, .. (88888). Offord Ciii se Dictinnrry of lll itiss (Trsss latdd by Hmmd Ammii). Thhrnn: MiaaL Laaal ddddddd...
Niii ttjj i, R., & Ksshaaarz, H. ())))) An issst titt inn ff tee ooii ll , iiil ii uull , ddd uultr al fectr s influcceigg uuuth oolitiaal aartiii ttt ion (Csse dddd: Nuurbbdd aa mssiii Cttaa y). Intrntt iolll Cnnfercco on Hmmmnitiss, hhhhhhoyyn nã iiiii ii Sii eeees, Thhrnn. [Ie ee riinn]
Nizzi, ,, Hssaaaaad,,, ,, aaaa mmddaee,, .. , & oolfarr i, A (9999). Ill itiaal aarticiaati:: from trrr y to prectiee: oooories nnd ttrtt eii e,, Terr nn: Nhhhd-e frhpppp ppppiaati.... .IP Prr sinn]
aa aaall li, ,, iiil ii, F., & Alieerii ii, F. (4444). Adll sseent" eeeetted ii vic prticiaati:: hhe role of civic nnwlddee add ffiaayy bl iff.. *Journal of adolescence*, 77()) 2 22244..
Nrr zzz i, A. (4444). Aaalssis ff fectr s ffectigg lll iticll aarticiaation in rrr al cmmmnitiss: A ceey styyy ff .. jj an Twwniii .. *Spatial Planning*, (((.. 1 1-222 .[In Prr sinn]
ll ltt , .. (00))) . PPSS. (Trsss latinn yy Ali Reaa Kaaannn)). Karjj : rrr afrab bbbictt iss . [IP Prr sinn]
aaaaa , R. D. (000)). Bowligg Alnn:: eee Collasse ddd Rvviaal of AmrriaaC Gmmmnit:: Sim&& &Ssss trr.
Rmnaaa,, R. .. (,,,, Arr il). Ill itiaal aarticitt iss of Rrral Cmnmiii tiss. nnsst UII Ittraatiaaal Cfff rreccc nn cc ill ggy ttttt tnn (... 666-888). Atlatt ir rr sss.
R,,, .. (111)). Ill itics ddd ccitt:: an itt ruuu.tinn to Ill itiaal ccciolyyy(trnll tt or:Suuuuri, M). Terra:: aamt rrsss (Origiaal work llll ieec:: 99))) . [Ir rrr ran]
Rh hh, .. (00))) . Ill itiss ddd sii ty: An itt ruuutt inn to oolitiaal ccciolyyyR Rtt ldd..
eeee hhloo, T., K,,,, , HH & iiiiii i SHH(2))) . Issst tiggtigg the impcet ff nnnrrr iuuuull ity nn tee rrr al wmmnn rrr tiit pt inn (Csse styyy: Gl mann ddd Reeeknn rrr ll district of Cnnnr an wwiiii p). *Woman in development & Politics*, (((), 33-33.
tt tp://dii org/00000000gw99999999999999999999
aaaaa a rrr , ,, & aaaa hhtt ifar,, .. (111)). Assessmnt ff ttd... s' Ill itiaal aaa rnss ddd its influcceigg fectors with nn emhssis on Ill itiaal prticiaatinn. Ittrttt innll Cfff reeee nn Humai ties, oooooooyy, ccc ccc æl cciccsc. [Ie ee riinn]
rrr i, A. (4444). eee Rlle ff bblic rrr tiitpt inn in tee Sttt iinll e iiil tiaal Deelpmmt ff Villeee.. eee 2dd Interaationll Cnnfrccc nn

- iiii olyyy, cccll ccicce,, ddd cccc tinn with a uuure-Oritt dd
Arrr cech — Bsshhr. [In rrr sinn]
... mmmssaldii , Att tt tt t& && BhhrivrrH H(3333). eee Rll e ff oolitiaal
rrr ticiaatinn ff rural sttlrrs rerrr digg rr oii sinn ff eerii css nnvillaees
ff aa mssiii nnnnty. *Journal Space Economy & Rural Development*,
(()), 77-1... [Ie ersinn]
... Taajiii ,,,, Afzll i, A., & Nssiri, F. (4444). ccc tr s ffectigg tee leel ff
lll itiaal aarticiaatinn ff Yott h in Hamaaan rr oii nee. *Journal of Political
Knowledge*, ((())), 99-22.
tt tp://dii oa// 17777777kk5555555555555555. [IP Prr sinn]
... aaaaaa ai,, Y,, & Dtt,, .. (8888). oolitiaal prrticiaatinn in a hiiii ng
wrrld ooeeptaal nnd mmi riaal hhl lgggs in tee ttyyy of citeen
aaa eemett . (Trnllatdd yy Bhjtt Abbssi), Terr nn: ooddddddd
iiii ii tinn.. [Ie ersinn]
... Vrr,,, SSS SSzzmLLL LLIL IBryyyH H)))))))) Vi ee nnl llill lty:
Ciii c VII tt rrism in Ameriaao oolitic:: HrraarU Uhierii TP Prsss.
... Vuuuuii , M., & Hsseemi, A. (4444). Villeers add tiir lll itical
rrr ticiaatinn in ir:: a aeetuyy of three ii ll... s of eeeeeer. *Journal
of Social Sciences*, 1((66), 999-000. [In eerinn]
... Weeer, .. (5555). nnnnmny ddd ooitt y (Trsss lttdd yy Abbas
aa ooeeehri, ee rddd Toriii zzhdd & sss tafa Emzzzdhdh), Trrr nn:
mmm bbblictt inn.. [Ie ersinn]